کارگر تبعیدی

ارگان
جنبش دفاع از حقوق سندیکائی کارگران ایران

شماره ۳
آبان و آذر ماه ۱۳۶۷

قیمت ۲ مارک

به دفاع از مبارزات کارگران ایران برخیزیم!

شرایط بعد از آتش بس و وظایف ما

رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی که بدلیل شکستهای پی در پی، عدم حمایت جانی ومالی مردم وبدلیل فشارها و محدودیتهای اقتصادی ونظامی و همچنین بدلیل فشارهای بین‌المللی مجبور به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ گردید، در طول ۸ سال جنگ چپلایا و مصیبتهایی که برسر کارگران وارد نیاورد. کارگران ایران که پس از سرنگونی رژیم شاه واز برکت مبارزات خود به امتیازات قابل توجهی دست پیدا کرده بودند، با شروع جنگ بهانه بیشتری بدست رژیم جمهوری اسلامی افتاد تا تمام این امتیازات را از آنان پس بگیرد. اگر چه کارگران دست به مقاومت زدند ولی بهر حال، این رژیم بود که نه تنها این امتیازات را از دست آنان خارج کرد بلکه فشارها وبلایای دیگری را بدان افزوده وطی ۸ سال ادامه داد. با از بین رفتن بسیاری از کارخانه ها ومراکز صنعتی ویا تعطیلی کارخانجات، اخراج، بازخرید وبیکاری دامن کارگران را گرفت، درجه استثمار در کارخانه جاتی که صنایع نظامی تولید میکردند ویا کارخانجاتی که از مواد اولیه کافی برخوردار بودند

بقیه در صفحه ۲

نظر ما در مورد 'فعالین کارگری' و همکاری روشنفکران

در نشریه شماره ۲ کارگر تبعیدی مقاله ئی درج شده است باعنوان "نامه‌ای از یک کارگر" در مورد فعالین کارگری وروشنفکران، از آنجا که درک ما در حوزه‌هائی با درک رفیق نگارنده فرق میکند وبخشی از برداشتها در مورد "فعالین کارگری" متفاوت است لازم دانستیم که بتوضیح بیشتر این دو مسئله بپردازیم.

رفیقمان عضویت "فعالین کارگری" در تشکل رابه دلیل آنکه آنها را جزو روشنفکران تلقی نموده است مورد انتقاد قرار داده. در این مورد باید بگوئیم چنانکه در اطلاعیه‌ها و اسناد منتشره، واخیرا نیز در اساسنامه پیشنهادی مطرح کرده‌ایم ملاک عضویت در "جنبش دفاع از حقوق سندیکائی"، کارگر بودن است. اگر چه تشکل ما سندیکا ویا اتحادیه نیست، ولی ضابطه عضویت در آن مانند اتحادیه و سندیکا است. اما آنچه را که ما به عنوان "فعالین کارگری" نام میبریم شامل آندسته از کارگرانیست که در جریان مبارزات کارگری، شکل گیری، هدایت وپیشبرد این مبارزات و اعتصابات نقش پیشروان وهدایتگران را داشته ویا در راه ایجاد تشکلهای

بقیه در صفحه ۲

قتل عام زندانیان سیاسی در ایران

رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی از چند روز بعد از پذیرش آتش بس، دست به کشتار وسیع و دستجمعی زندانیان سیاسی زده و درهمین مدت کوتاه هزاران نفر را به چوخه اعدام سپرده است. ابعاد این جنایات بحدی است که حتی صدای اعتراض محافل دست راستی جهان سرمایه‌داری را برانگیخته. موارد بسیاری دیده شده که زندانیان آزاد شده را مجددا احضار ویا دستگیر کرده‌اند وپس از چند روز لباسهایشان را به

بقیه در صفحه

جای نمایندگان واقعی کارگران ایران در مجامع بین‌المللی خالیست

لیست اسامی شهدای کارگر

نقدی بر طرح پیشنهادی اساسنامه

خاطره

مروری بر مبارزات کارگران در سال ۵۷

نامه‌های رسیده

از مبارزات کارگران اسپانیا بیاموزیم

کلمهٔ شهادت رنجبری

اخبار خارجی

زنده باد تشکلهای مستقل کارگری!

www.iran-archive.com

شرایط بعد از آتش بس و وظایف ما

از صفحه اول

به بهانه جنگ افزایش یافت. از میزان حقوق و مزایای کارگری بعلت کسری بودجه و هزینه های جنگی کاسته شد و بر قیمت مایحتاج عمومی کارگران بشدت افزوده شد، کمبود مواد غذایی کارگران و فرزندانشان را به گرسنگی و عدم تغذیه کافی تهدید نمود. اخاذی از کارگران برای به اصطلاح کمک به جبهه‌ها و اعزام اجباری کارگران به جبهه‌ها و سرکوب و اختناق وسیع کارگران به دلیل شرایط جنگی نمونه هایی از این بلایای ۸ ساله بوده‌اند. اکنون پس از سالها ی جنگ اگر چه هنوز آتش بس به صلح منجر نشده است، با اینهمه رژیم در تدارک بازسازی اقتصاد جنگ زده است و آنچه مسلم است اینست که رژیم با افزایش شدت کار و استثمار برادران و خواهران کارگر ما قصد دارد تا خرابیهای جنگ را جبران نماید

واگر در گذشته به بهانه جنگ آنان را تحت فشار قرار میداد اکنون به بهانه بازسازی و نوسازی چنین خواهد کرد. اگر در گذشته کارگران به بهانه جنگ سرکوب شده و از ایجاد تشکلهای مستقل آنان جلوگیری بعمل میآمد، اکنون این امر به بهانه جدید صورت خواهد گرفت.

همانگونه که در گذشته شاهد مبارزات و مقاومت کارگران به اشکال مختلف بودیم مسلماً در دور جدید نیز این مبارزات ادامه خواهد داشت.

بر ما کارگران تبعیدی است که با انعکاس مبارزات کارگران، در خارج و ارائه اطلاعات از وضعیت کارگران ایران به حمایت مادی و معنوی از آنان بر خیزیم. باید اجحافات رژیم علیه کارگران در سطح گسترده ای افشا شود. باید بی حقوقی کارگران ایران بویژه عدم برخورداری از حق تشکل، حق کار، حق اعتصاب را در مجامع کارگری بین‌المللی، کنفدراسیون ها و اتحادیه‌های جهانی کار و در سندیکاها و اتحادیه‌های کشورهای مختلف طرح کرده و حساسیت و حمایت آنان را به سمت کارگران ایرانی جلب نمائیم. در این رابطه انبوهی از کار و مشکلات وجود دارد که کارگران تبعیدی پراکنده بشکل منفرد قادر به انجام آن نخواهند بود، باید دست در دست هم دهیم و از ذره ذره انرژی پراکنده هم بهره جوئیم، اگر یکی از ضعفهای عمده کارگران ایران عدم برخورداری از تشکل مستقل است، این مشکل در خارج و در بین کارگران مهاجر و پراکنده نیز عمل میکند. اگر در ایران بعلت خفقان و سرکوب بر پائی چنین تشکلهای فرا گیر و همبسته بسیار مشکل است، در خارج این مشکلات با آن عمق و گستردگی عمل نمی‌کند ما کارگران برای انجام هر رسالتی و برای تحقق دادن هر وظیفه‌ای که در جلوی روی خود میگذاریم نخست به وحدت و یکپارچگی نیاز داریم. ما به سهم خود در راه ایجاد چنین یکپارچگی تلاش میکنیم. بر همه کارگران و فعالین کارگریست که آنان نیز در راه تحقق این امر مهم تلاش نمایند.

نظر ما در مورد 'فعالین کارگری' و همکاری روشنفکران

از صفحه اول

کارگری پیشقدم و سردمدار بوده‌اند. این اصطلاح در جنبش کارگری جهانی، و در ایران نیز با همین معنا مورد استفاده قرار گرفته و می‌گیرد. "فعال کارگری" نه تنها کارگر است بلکه از جمله کارگرانیست که در رأس مبارزات کارگری قرار می‌گیرند. بنابرین بکارگیری این اصطلاح و تأکید بر آن از جانب ما، بعلت توانمندی و نقش با اهمیت ایندسته از کارگران در بر پائی و هدایت تشکلهای رزمنده، و کلاً در مبارزات متنوع کارگریست و اتفاقاً جنبش دفاع از حقوق سندیکائی برای موفقیت در وظیفه خطیری که در پیش روی خود گذاشته است به تعداد هر چه بیشتر از "فعالین کارگری" نیاز دارد. علت دیگر تاکید ما بر این اصطلاح، آنست که اکثر کارگرانی که به خارج مهاجرت کرده‌اند، بعلت فعالیتشان تحت پیگرد رژیم بوده اند، و اتفاقاً اینها جزو فعالین و پیشروان جنبش کارگری ایران هستند. خلاصه آنکه منظور ما از این اصطلاح روشنفکران نبوده اند.

اما آنچه را که با نظر رفیقمان مخالفیم آنست که ایشان عدم عضویت روشنفکران، در این تشکل را عدم صلاحیت مبارزاتی آنها میدانند و در قسمتی از نوشته‌اشان با ذکر چند اسم عنوان میکنند که آنان "در بزنگاه خراب میکنند" و یا جملاتی از قبیل "روشنفکران خارجه نشین". در این مورد باید بگوئیم اولا نمیتوان و نباید روشنفکران را در مبارزه، یک کاسه کرد و همه را با یک چوب راند. در همین دهسال اخیر شاهد مبارزات بسیاری از روشنفکران، و حتی بمراتب بیشتر از آنانی که "در بزنگاه خراب کرده‌اند" بوده‌ایم که از تمامی امتیازات خود گذشته و در راه آرمان کارگران و آرمانی که به آن پیوسته‌اند، جان خود را نیز فدا نموده‌اند. مگر در بین خود ما کارگران، انجمنی و عامل

بقیه در صفحه ۱۳

www.iranarchive.com

جای نمایندگان واقعی کارگران ایران در مجامع بین المللی خالیست

در تاریخ ۹ خرداد ماه سال جاری هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی مرکب از نمایندگان دولت، کارگر و کارفرما به سرپرستی قائم مقام وزیر کار به منظور شرکت در هفتاد و پنجمین اجلاس کنفرانس بین المللی کار، عازم ژنو شدند. از آنجا که از سوی مجامع بین المللی، امسال، سال حقوق بشر نامگذاری شده بود، یکی از مفاد دستور جلسات این اجلاس بررسی وضعیت حقوق بشر در جهان، واستانداردهای بین المللی کار و بررسی راههای احترام و رعایت هر چه بیشتر حقوق بشر، توسط کشورهای عضو بود. از موضوعات دیگر مورد بحث، بررسی نحوه اجرای استانداردهای بین المللی کار توسط کشورهای عضو، حفاظت و بهداشت در صنایع ساختمانی، اشتغال وتأمین اجتماعی، بررسی وضعیت اشتغال و توسعه آن در روستا بوده است.

نقض حقوق بشر در ایران توسط رژیم جمهوری اسلامی مسئله تازه ای نیست وابعاد وحشتناك زیر پا گذاری حقوق انسانها در ایران، تا کنون بارها مورد اعتراض مجامع وافکار بین المللی وانسانهای آزادهٔ جهان قرار گرفته است. در این میانه کارگران بعنوان بخشی از محروم ترین انسانها وبعنوان جزئی از مردم ایران، بشکل وحشیانه در معرض تهاجمات ضد انسانی جمهوری اسلامی قرار داشته ودارند که این تعرضات شامل همه حوزه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی فرهنگی وحقوق دمکراتیك آنها گردیده است. اما جای تاسف آنجا ست که بعلت عدم حضور نمایندگان واقعی کارگران در نهادها، اتحادیه ها، ومجامع بین المللی، تا کنون نه تصویر کاملی از این بی حقی به جهانیان عرضه گردیده ونه بسیج واقدامی در خور توجه برای اعمال فشار بین المللی بر جمهوری اسلامی صورت گرفته است. در غیاب نمایندگان واقعی کارگران در این مجامع، هر ساله این رژیم جمهوری اسلامی است که با تدارك هیئتی از عوامل دولتی، کارفرمایان و کارگران دستنشانده به شرکت در بعضی از مجامع مجاز توسل جسته، وهر چه بیشتر خاك بر روی حقایق میپاشانند. وقاحت جمهوری اسلامی در آنجاست که در این اجلاس، این نماینده کارفرمایان ایران، حسین یزدانپاه است که علیه نقض حقوق بشر در افریقای جنوبی وفلسطین صحبت میکند واز کارگر دست نشانده ــ ای، همچون جبار علی سلیمیان (که کارگر نمونه سال ۶۶ جمهوری اسلامی است واز افتخارات جمهوری اسلامی اینست که وی مبتکر ساختن وسایل مرگزا برای جنگ ایران وعراق بوده ودر تمام مدت جنگ بطور مداوم در جبهه‌ها حضور داشته است.) سازنده دستگاه ذوب مواد منفجره، دور از انتظار نیست که در این اجلاس از "تجاوزات رژیم عراق واقدامات رژیم، علیرغم مشکلات ناشی از جنگ" صحبت کند. افرادی همچون قائم مقام وزیر کار، که مجری همه قوانین ضد کارگری تدوین شده در ایران است، چگونه میتوانند تصویری از شرایط کار ایران وفاصله بسیار زیادش با استانداردهای

بقیه در صفحه ۱۲

کیهان دوشنبه ۱۴ آذر ۱۳۶۷

ضوابط انتخاب کارگر نمونه سال ۶۷ اعلام شد

*** کارگران نمونه علاوه بر دریافت جوایز، می‌توانند به شرط داشتن دیپلم متوسطه بدون کنکور وارد دانشگاه شوند.**

سرویس اقتصادی ــ نحوه انتخاب کارگر نمونه سال ۱۳۶۷ از سوی روابط عمومی وزارت کار و امور اجتماعی اعلام شد.

روابط عمومی مذکور ضمن ارسال متن ضوابط انتخاب کارگر نمونه سال ۶۷ به سرویس اقتصادی روزنامه کیهان یادآور شده است:

به منظور انتخاب کارگر نمونه که طبق روال هر ساله در یوم‌الله ۲۲ بهمن معرفی می‌شود مدیران انجمن ها و شوراهای اسلامی کار می‌توانند براساس ضوابط زیر کارگران نمونه خود را تعیین نموده ومدارك مربوطه را به نحوی ارسال دارند که حداکثر تا تاریخ ۶۷/۱۰/۲۰ واصل گردد.

لازم به توضیح است که کارگران نمونه علاوه بر دریافت جوائز به شرط داشتن مدرك تحصیلی دیپلم می‌توانند براساس مصوبه شورایعالی انقلاب فرهنگی بدون شرکت در کنکور وارد دانشگاه شوند.

ضوابط انتخاب کارگر نمونه سال ۶۷

۱ ــ مشارکت در تولید ابزار مورد نیاز برای بازسازی کشور و نیز جبهه‌های جنگ تحمیلی

۲ــ تقلیل ضایعات در واحد تولیدی یا کارگاه

۳ ــ افزایش تولید یا ابداع جدیدی در شیوه های بهره‌وری

۴ــ تغییرات بنیادی در تولید کالا های لوکس به کالا های مورد نیاز جامعه

۵ ــ خودکفائی و کاستن وابستگی کارگاه به مواد اولیه یا ماشین آلات وارده از خارج،

۶ ــ اختراع، اکتشاف و نوآوری از ابزار وسایل موثر در خودکفائی.

کارگران نمونه علاوه بر داشتن ضوابط فوق پایبند از نظر تعهد، دیانت، حسن همکاری، رعایت انضباط کار ورفتار در کارگاه نیز نمونه باشند.

روابط عمومی وزارت کار همچنین متذکر شد که مدیران واحد های تولیدی صنعتی و انجمن یا شورا های اسلامی کار باید دو قطعه عکس ومدارك کافی دال برنمونه بودن کارگران را به روابط عمومی وزارت کار واقع در خیابان آزادی یا خیابان دانشگاه شماره ۶۷ و ۶۹ خانه کارگر جمهوری اسلامی ایران خانه مخترعین و مبتکرین ارسال دارند.

قتل عام زندانیان سیاسی در ایران

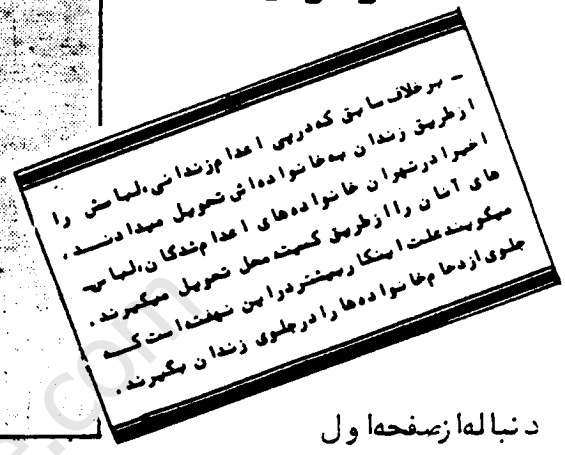

دنباله از صفحه اول

خانواده هایشان تحویل داده‌اند • برای جلوگیری از ازدحام خانواده‌های شهدای اخیر، لباسهای آنان در کمیته‌های محل توزیع میگردد • در اطراف شهرها گورهای دستجمعی زیادی پیدا شده، که پس از کشف آنها از سوی مردم، رژیم آنها را آسفالت نموده است ••• و هر روز خبرهای هولناک تازه‌تری بگوش می‌رسد •

در بین اعدامیان جدید تعداد زیادی از کارگران نیز وجود دارند • از جملهٔ اعدام شدگان جدید اسامی زیر را بدست آورده‌ایم:

حسن جلالی
محمود سید روغنی
صابر محمدزاده
عزت اله زارع
آصف رزم دیده *

رژیم ضدانسانی و مخوف جمهوری اسلامی که برای بازسازی کشور نیاز مبرم به کمکهای خارج دارد، از آنجاکه وجود زندانهای مملو از زندانی ـ که توجه جهانیان را بخود جلب کرده ـ مانع بزرگی برسر راه این کمکهاست، از سویی، در چنین شرایطی مخالفین و زندانیان سیاسی خطر بزرگی برای رژیم محسوب میشوند، لذا رژیم تصمیم دارد از طریق قتل عام آنان هم به جهانیان بگوید که زندانی سیاسی در ایران وجود ندارد، و هم از قبل آن آسوده‌تر حکومت کند!

طبعاً در این میان جان تمامی زندانیان از جمله کارگرانی که بخاطر مبارزات برحق خود در چنگال رژیم خونخوار حاکم بر ایران گرفتارند، در خطر است •

در همین رابطه از طرف ایرانیان و سازمانهای سیاسی ایرانی و تشکلهای دمکراتیک و خانواده شهدای اخیر مبارزاتی علیه رژیم در خارج از کشور صورت گرفته است، از جمله اعتصاب غذا در فرانکفورت، هامبورگ و گوتینگن، تظاهرات خیابانی در بن و فرانکفورت و نیز اعتراضات متعددی در برلین، هانور آلمان و همچنین در لندن، استکهلم و •••

برماست تا متحداً و با تمام قوا، در هرجا که هستیم نقشه‌های پلید و جنایات هولناک این رژیم ددمنش را فریاد زنیم و تا حد توان مانع کشتار بیشتر زندانیان بی‌دفاع شویم •

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

(دفاع از زندانیان سیاسی دفاع از مواضع سیاسی ـ ایدئولوژیک آنها نیست •)

---

* از دوستانی که در بین اعدام شدگان اخیر، کارگرانی را می‌شناسند که شهید شده‌اند خواهش می‌کنیم این اسامی را در اختیار ما قرار دهند •

www.iran-archive.com

۰۲ آبان

نقدی بر طرح پیشنهادی منشور و اساسنامه

نظرات خوانندگان آشنا شویم

در مورد اساسنامه پیشنهادی نکاتی هستند که قابل بررسی‌اند • درفصل مربوط به اهداف و وظایف ، بند ٤ مطالبی عنوان شده که اولا بنوعی تکرار همان مطالب بند ۳ است ، مانند تماس با محافل و سازمانهای خارجی ، ثانیاً مطالبی آمده که در حیطه وظایف جنبش نمی‌گنجد ، مانند " بهره‌گیری از تجارب اتحادیه‌های دیگر برای سازماندادن سندیکا درایران" در این مود خودتان در مقالهٔ "نکاتی پیرامون وظایف جنبش" ، در پاسخ به یک سؤال مطرح کرده‌اید که وظیفه برپا کردن سندیکا در داخل ایران را در زمان کنونی ندارید. بنابرین بند ٤ با آن تناقض دارد • اگر منظور بدست آوردن تجارب و اطلاع از نظر دیگران باشد ، این خود بخشی از مضمون رابطه با اتحادیه های دیگر است و در بند ۳ می‌گنجد و اگر بکارگیری مستقیم تجارب در داخل ایران باشد ، که از وظایف کنونی جنبش نیست • حداکثر میتوان محلی برای انتشار تجربیات ونظرات دیگر اتحادیه‌ها برای ایجاد سندیکا منظور آگاه کردن کارگران ایران از تجارب برادرانشان در نظر گرفت ، که آنهم از وظایف نشریه و کار روتین جنبش است و ذکر آن در بند اساسنامه موردی ندارد .

اما بجای بند ٤ باید بندی که بیانگر همیت انترناسیو نالیستی فعالیت باشد آورده شود • مثلا با این مضمون " همبستگی با مبارزات کارگران و اتحادیه‌ها- ی آنها در کشورهای دیگر و شرکت و فعالیت برای پیشبرد این همبستگی " بجای خالی همبستگی انترناسیونالیستی در فصل اهداف و وظایف بسیار مشهود است • در همین فصل در بند ۱ میتوان بجای استفاده از علامت * و زیرنویس کردن مفاد پلاتفرم ، قید شود پیش‌برد وظایف مطابق مفاد مطروحه در پلاتفرم جنبش ، در فصل مربوط به سازمانها و ارگانهای جنبش ، در بند مربوط به واحدهای کشوری ، لازم نیست نام کشوری و واحدی آورده شود ، چون هر روزه ممکن است کشوری و یا واحدی به آن اضافه شود ، که نام آنها در اساسنامه نیامده باشد • این بند میتواند فقط به واحدهای کشوری به عنوان ارگان سازمانی اشاره کند ، بدون ذکر نام کشورها • اما در مجموع اساسنامه بسیار روشن و روان تهیه شده و غیر از موارد فوق نقص قابل ذکری در آن وجود ندارد •

کلمهٔ شهادت رنجبری

شهادت می‌دهم بر اینکه من از ملت کارم
نژاد سعی و تخم رنج و نسل دوده زحمت

وطن روی زمین و دین من فرموده زحمت
بجز زحمت ندارم مذهبی ، اینست اقرارم

چو از پستان زحمت دا د شیرم مادر دوران
کنون با نیتی روشن ، به حکم مسلك و وجدان

درین جا قول زحمت میدهم من ، میکنم پیمان
که تا در بازوانم زور هست و در تن من جان

بکوشم از پی تخلیص صنف فعله و دهقان
بجنگم بر علیه ظالمان و فرقه اعیان

نگردد تا جهان آزاد از ظلم و بشر یکسان
از این مقصود عالی دست هرگز بر نمی دارم

لاهوتی ــ فوریه ۱۹۲۲

www.iran-archive.com

تذکر: رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی درمدت حکومت ضدانقلابی خود دهها هزار کارگر وانقلابی دیگررا اعدام وترورکرده ویا درزیرشکنجه بشهادت رسانده است، که اکثرآنان برای مردم ایران ناشناخته مانده وتنهااسامی بخشی از آنهادرلیست شهدای انقلاب ایران آمده است. ماتوانسته ایم اسامی بیش از ۵۰۰ نفرازجانباختگان کارگررا، که از سال ۶۰ تا ۶۳ بشهادت رسیده اند، تهیه کنیم. اما بی شک تعداد شهدای کارگردرهمین مدت بیش ازاین رقم بوده، وازسال ۶۳ به اینسو نیز تنها تعداد کمی از آنرا میتوانیم لیست کامل تری درج نمائیم. وازهمه کسانیکه کارگران شهیدی رامی شناختهاندکه اسامی شان دراین لیست نیامده، انتظارداریم اسامی آنهاوتاریخ، محل وچگونگی شهادت ودرصورت امکان زندگینامه آنهارابرای ما ارسال کنند تابتوانیم لیست کاملتری ازاین شهداداشته ودرفرصت مناسب بولتن کامل آنرابه چاپ برسانیم. قبلاازهمکاریتان سپاسگزاریم.

لیست اسامی شهدای کارگر

در دوران حکومت جمهوری اسلامی

شماره	نام خانوادگی	نام	نحوه شهادت	تاریخ شهادت
۱۴۸	حسن وندگندائی	خیرالله	درگیری مسلحانه	پائیز ۶۱
۱۴۹	حسنی	بهرام	تیرباران	تابستان ۶۰
۱۵۰	حسینی	حسین	"	تابستان ۶۰
۱۵۱	حسینی	سیدعلی اصغر	"	پائیز ۶۱
۱۵۲	حق پناه	حیدر	"	تابستان ۶۰
۱۵۳	حقیقت خواه	بهمن	حلقها وزدرملاعام	بهار ۶۴
۱۵۴	حقیقی اردبیلی	مسعود	تیرباران	بهار ۶۳
۱۵۵	حمزه ای	رضا	"	تابستان ۶۰
۱۵۶	حیاتبخش	یدالله	"	"
۱۵۷	حیدری	تورج	زیرشکنجه	بهار ۶۴
۱۵۸	حیدری	سهراب	ترورتوسطعوامل رژیم	پائیز ۶۳
۱۵۹	خاتون آبادی	حسن	تیرباران	پائیز ۶۰
۱۶۰	خاری	سعادت	زجرکش	تابستان ۶۰
۱۶۱	خالقی	احمد	تیرباران	تابستان ۶۳
۱۶۲	خاموشیان	محمود	"	تابستان ۶۱
۱۶۳	خان احمدی	علی اکبر	"	تابستان ۶۰
۱۶۴	خاوری	علی	"	زمستان ۶۰
۱۶۵	خدائی	عمر	"	بهار ۶۰
۱۶۶	خسروی	اصغر	زیرشکنجه	فروردین ۶۳
۱۶۷	خسروی	محمدعلی	"	"
۱۶۸	خلیفه‌ای‌بناب	رسول	تیرباران	پائیز ۶۰
۱۶۹	خواجوی	کیومرث	"	زمستان ۶۲
۱۷۰	خورنگاه	پرویز	"	تابستان ۶۳
۱۷۱	خیری	علی‌اصغرحین	ماموریت	ـ
۱۷۲	خیزابی	رحیم	تیرباران	سال ۶۰
۱۷۳	داه‌جو	ابراهیم	"	زمستان ۶۰
۱۷۴	دارائی	علیرضا	"	زمستان ۶۰
۱۷۵	دانائی	محمد	"	تابستان ۶۰
۱۷۶	دانش‌پورمقدم	مرتضی	زیرشکنجه	پائیز ۶۱
۱۷۷	دانش‌پورمقدم	مصطفی	درگیری	زمستان ۶۰
۱۷۸	داوودی	محمداسماعیل	تیرباران	تابستان ۶۲
۱۷۹	درگی	تیمور	"	پائیز ۶۰
۱۸۰	درویشی	محمود	"	پائیز ۶۰
۱۸۱	دلیلی (دلیل)	محمد جعفر	"	پائیز ۶۰
۱۸۲	دنکوب	قاسم	"	تابستان ۶۰
۱۸۳	دوائی	اکبر	"	تابستان ۶۱
۱۸۴	ده بزرگی	مسعود	"	تابستان ۶۰
۱۸۵	زاکری	علی اصغر	"	پائیز ۶۱
۱۸۶	ذوالفقاریان	محمد قلی‌حلق‌آویز		تابستان ۶۲
۱۸۷	رازمندی	علی‌اصغر	تیرباران	زمستان ۶۰
۱۸۸	ربیعی	امیر	"	پائیز ۶۳
۱۸۹	رجبی	مسعود	درگیری	تابستان ۶۰
۱۹۰	رحمانی	علامرضا	تیرباران	تابستان ۶۰
۱۹۱	رحمانی	محمد	درگیری	تابستان ۶۰
۱۹۲	رحمتی	محمدرضا	تیرباران	زمستان ۶۰
۱۹۳	رستمی	اسماعیل	"	زمستان ۶۰
۱۹۴	رسولی‌اسکوئی	محمد	"	پائیز ۶۰
۱۹۵	رشتی	محسن	"	پائیز ۶۰
۱۹۶	رضائی	ایاز	درگیری	زمستان ۶۲
۱۹۷	رضائی	بهمن	"	تابستان ۶۰
۱۹۸	رضائی	تیمور	تیرباران	ـ سال ۶۲
۱۹۹	رضائی	حامد	درگیری	تابستان ۶۰
۲۰۰	رضائی	محمد	تیرباران	بهار ۶۱
۲۰۱	رعیتی	علیرضا	درگیری	بهار ۶۰
۲۰۲	رمضانی	خیرالله	تیرباران	پائیز ۶۰
۲۰۳	رنجبر	رسول	"	زمستان ۶۰
۲۰۴	رنج کامل	صمد	زیرشکنجه	زمستان ۶۰
۲۰۵	روان	حسام	زیرشکنجه	زمستان ۶۰
۲۰۶	روحانی زاده	عباس	تیرباران	زمستان ۶۰
۲۰۷	رهبری	محسن	"	پائیز ۶۰
۲۰۸	زارع‌پور	حمید	شهادت‌درکردستان	" ۶۵
۲۰۹	زارعی‌فتح‌آبادی	مجید	تیرباران	
۲۱۰	زارعی	منصور	ترور	خرداد ۶۰
۲۱۱	زریر	نصراله	درگیری	تابستان ۶۱
۲۱۲	زمان‌کسبی	عباس	"	شهریور ۶۰
۲۱۳	زیدآبادی	محمد	تیرباران	پائیز ۶۰
۲۱۴	زیدون	محمد	"	زمستان ۶۰
۲۱۵	سادات	احمد	"	پائیز ۶۰
۲۱۶	سالارحاجی‌آبادی	غلامحسین	"	تابستان ۶۰
۲۱۷	سالاری	غلامحسین	"	پائیز ۶۰
۲۱۸	سالم‌عشقی	ناصر	"	زمستان ۶۰

دنباله دارد

www.iran-archive.com

خاطره و گزارشی از یک کارخانه

کارخانه زامیاد

ی ــ آلمان غربی

قبل از هر چیز لازم میدانم برای آشنائی خوانندگان عزیز نشریه "کارگر تبعیدی" گوشه‌ای از وضعیت این کارخانه، چه به لحاظ موقعیت تولیدی و تمرکز کارگری را به اطلاع دوستداران این نشریه و دیگر کارگران تبعیدی برسانم.

این کارخانه در جاده قدیم کرج بین انبار مرکزی فروشگاههای زنجیره ای قدس (کوش سابق) و کارخانه مزدا در یک مجتمع، بنام گروه صنعتی "رنا" که متشکل از سه کارخانه صنعتی دیگر، بنامهای کارخانه کمک فنرسازی، کارخانه رادیاتورسازی و خود زامیاد است قرار دارد که صاحب اصلی آن در زمان شاه رئیس دفتر خصوصی فرح پهلوی بود. خود کارخانه زامیاد همانگونه که از اسم آن پیداست وانت زامیاد و کامیون ولوو مونتاژ میکند. این کارخانه از قسمتهای مختلف زیر تشکیل شده است:

۱ــ پرس کاری: که ورقهای فلزی وارداتی را به وسیله دستگاههای پرس به شکل قسمتهای مختلف اتاقهای ماشین پرس کرده و به قسمت جوشکاری فرستاده میشود.

۲ــ جوشکاری: که از دو قسمت نقطه جوش و جوش معمولی تشکیل گردیده که پس از انجام کار به قسمت صافکاری منتقل میشود.

۳ــ صافکاری: در این قسمت قطعات جوش داده شده پس از صافکاری به قسمت رنگرزی هدایت میشود.

۴ــ رنگرزی: در این قسمت اتاقهای آماده شده ماشین رنگ پاشی میکردد.

۵ــ رادیاتور و کمک فنر نیز در دو کارخانه مستقل موجود در مجتمع تولید شده و وارد کارخانه زامیاد میشود.

۶ــ مونتاژ: و بالاخره مرحله نهائی مونتاژ است.

تمامی این قسمتها در یک خط تولید قرار دارند که بوسیله نقاله های مخصوص ولیف ترانس به مراحل بعدی فرستاده میشوند. و در پایان نیز پس از نصب موتور و بستن بنزین و روغن توسط راننده به قسمت پشت کارخانه، محل پارکینگ هدایت میشود.

کامیون ولوو نیز به صورت یک خط موازی مونتاژ با نیسان در یک سالن و به همان شکل یاد شده تولید میگردد. علاوه بر این قسمتها، این کارخانه دارای دو قسمت مهم دیگر، ابزارسازی و تعمیر و نگاهداری میباشد.

لازم به ذکر است که مواد اولیه و قطعات وانت نیسان از ژاپن و ولوو از سوئد وارده شده و تحت نظارت مهندسین این دو کشور مورد بهره برداری قرار میگیرد. این مجتمع پس از ایران ناسیونال یکی از پیشرفته ترین کارخانه های مونتاژ در تهران میباشد.

ساعات کار کارگران این سه کارخانه با هم تنظیم شده و نهار و شام کارگران بطور مشترک در یک سالن غذا خوری صرف میگردد و سرویسهای رفت و آمد نیز مشترک است. بنابراین کارگران سه کارخانه در ساعات یاد شده به راحتی به یکدیگر دسترسی دارند که این امر در مبارزات آنها نقش مهمی به لحاظ تمرکز داشته است.

حال پس از آشنائی خوانندگان عزیز با شکل تولید و موقعیت این کارخانه، گوشه ای هم از مبارزات این کارخانه، تا آنجا که در ذهن دارم نوشته و پس از آن خاطره ام را نقل میکنم.

این کارخانه پس از انقلاب توسط شورای کنترل کارگری هدایت میشد که دست آوردهای بزرگ و حرکتهای زیادی داشته و بزرگترین حرکت کارگران برای پاداش و سود ویژه سال ۵۸ بوده که خاطره پیروزیهای آن هنوز هم در ذهن کارگران باقیست، زامیاد از جمله کارخانه‌هایی بوده که پس از او اخر سال ۶۱ علیرغم سرکوب شورا و اخراج و اعدام تعدادی کارگر مبارز قدیمی، همچنان در هفته ۲ روز تعطیلی داشت و آخرین حرکت کارگران برای ۲ روز تعطیلی، یک هفته قبل از تعطیلات نوروزی سال ۶۲ بود که بصورت راهپیمائی کارگران در محوطه باز کارخانه که اندام رژیم تا بن دندان مسلح را به لرزه درآورده بود و عظمت آن در ذهن هر کارگر زامیادی تا ابد زنده خواهد ماند که بعد از آن حرکت نیز باز تعدادی دستگیر و زندانی و اخراج شدند و از آن پس یک هفته در میان ۲ روز در هفته تعطیلی دایر شد. بعد از این حرکتها و مبارزات بود که رژیم برای زهرچشم گرفتن از کارگران مبارز و انقلابی و برای قانع کردن و ←

فریب کارگران این کارخانه، عنصر پست و خائن و بریده‌ای به نام عابدینی را برای یک نمایش سخنرانی به کارخانه آورد؛ خاطره‌ای که هرگز از یاد من نرفت. البته از پیش نگفته بودند که چه کسی برای سخنرانی میآید و فقط اعلامیه‌ای از طرف انجمن اسلامی داده شده بود که در آن نوشته بودند فردی تواب فردا سخنرانی خواهد داشت.

در روز سخنرانی به عادت همیشگی من به همراه جمعی از کارگران پس از نهار روی سبزه جلوی کارخانه نشسته بودیم. حدود یک بعد از ظهر بود که یکمرتبه از جلوی درب نگهبانی سه بنز سیاه رنگ به همراه سه موتورسوار که پشت سر هر موتور یک نفر مسلسل به دست و به گردن هر موتوری هم یک مسلسل آویزان بود وارد محوطه کارخانه شدند. راستش را بخواهید من به همراه یکی از رفقای کارگر پس از یک نگاه بهم انداختن رنگ هر دوی ما پریده بود و حسابی جا خورده بودیم. در یک لحظه به یاد بچه‌ها و زنهای آندسته از کارگران افتادم که منتظر پدر خانواده در اتاقهای کوچک شادشهر، قلعه‌حسن خان، زورآباد کرج، میدان غار و جوادیه هستند و چطور این بیشرمها با این تجهیزات برای بردن کسانی آمده بودند که جز نان برای سیر کردن شکمهای بالا آمده و استخوانی فرزندانشان چیز دیگری نمیخواستند. پس از پائین آمدن پاسدارها از ماشین، چهره کثیف عابدینی را که در تلویزیون هم دیده بودم، دیدم. با دیدن او به یاد یک خانواده زحمتکش از دوستان خودم افتادم که از فعالین سازمان پیکار، که همین جناب عابدینی یکی از رهبران این سازمان بود: رژیم تمام اعضای این خانواده را دستگیر و پس از ۸ روز ۳ نفر را اعدام، پدر و مادر را آزاد و از سرنوشت دو نفر دیگر خبری نشد. خشم و انزجار تمام وجودم را فرا گرفته بود ولی افسوس که کاری از من ساخته نبود.

بهر حال با صدای دوستم که میگفت "برویم ببینیم این طرف چی میگه" به خودم آمدم. خلاصه رفتیم و در جمع نشستیم. پس از معرفی یک مزدور انجمن اسلامی که برادر، برادر عابدینی گفتنش از گفتن همراهان دادستانی عابدینی هم چربتر بود، عابدینی مزدور بالای منبر قبل از همه شروع کرد به توضیح فعالیت خودش در زمان شاه و بعد در زمان خمینی و اینکه در زندان تحت تأثیر برادران پاسدار قرار گرفته و مسلمان شده و بعد به تفسیر اینکه چرا کمونیستها، کارگران را هدف فعالیت خود قرار میدهند، پرداخت و استدلال کرد که چون کارگران تقریباً سواد ندارند و سریع تحت تأثیر قرار میگیرند... و ادامه داد که البته شما کارگران نشان دادید که گول این مزدوران را نمی‌خورید و بعد نحوه سازماندهی و فعالیت کمونیستها در کارخانجات و بعد برای سلامتی امام خودش صلوات فرستاد. در آخر نوبت سئوالات رسید. برای آنکه کارگران مورد شناسائی انجمن اسلامی قرار نگیرند زیر بار سئوالات شفاهی نرفتند. اولین سئوال که خنده بر لب همه کارگران انداخت از بلندگو و توسط خود عابدینی خوانده شد و آن این بود که: آیا اگر شما واقعاً خودتان به این مسائل رسیده بودید چرا قبل از دستگیری عنوان نمی‌کردید؟ که همه کارگران خندیدند و عابدینی به لکنت افتاد و در بین همهمه و خنده کارگران گفت: "البته آموزشهای برادران در زندان در من تأثیر زیادی داشته ولی این شایعات ضد انقلاب است که ما را شکنجه داده‌اند. پس از اولین سئوال تقریباً اکثر کارگران شروع به رفتن کردند. کارگران شیفت صبح به سمت اتوبوسها و کارگران شیفت بعد از ظهر به سمت رختکن. پس از جوابگوئی به ۲ سئوال دیگر، از بلندگو گفته شد که چون سئوالها زیاد است و وقت کم، انشاالله در دفعه بعد برادر عابدینی به سئوالات پاسخ خواهد گفت. من و دوستم که به سمت رختکن میرفتیم در دلم میخندیدم و از هوشیاری کارگران امید باز هم بیشتری در من قوت گرفت. در سرویس وقتی به سمت خانه میرفتیم یکی از کارگران گفت چرا آنها را که اعدام میکنند، نمیآورند سخنرانی کنند که کارگران همگی زدند زیر خنده، یکی دیگر گفت از قیافه‌اش معلوم بود (منظور عابدینی) که همان روز اول شلوارش را زرد کرده بود. خلاصه هر کدام چیزی میگفتند و با هم میگفتند و میخندیدند. فردای آنروز هم در کارخانه بحثها راجع به عابدینی و حرفهایش بود که مورد تمسخر همگی بود. یکی میگفت او را برای زهر چشم گرفتن از ما آورده بودند، دیگری میگفت که چرا رئیس شورای ما را که در اوین است برای سخنرانی نمی‌آورند، اگر راست میگویند او را بیاورند و ....

---

* این خاطره متعلق به سالهای ۶۱، ۶۲ است از اینرو ممکن است در موقعیت و خط تولید کارخانه تغییراتی ایجاد شده باشد.

ازمبارزات کارگران اسپانیا بیاموزیم

تشکلهای مستقل کارگری در اسپانیا موقعی توانست شکل گیرد که کشور فاقد یک صنعت بزرگ بود. دولت استبداد و خفقان در همه عرصه‌ها توانسته بود اعمال قدرت کند. درسال ۱۸۴۰ اولین تشکلهای کارگری نه بنام اتحادیه یا سندیکا بلکه بصورت انجمن‌های کمک متقابل بوجود آمد. این تشکل نه برای خواستها و یا مقاومت بلکه صرفا جنبه دفاعی در مقابل حکومت مستبد داشت. طی دوره‌ای این تشکل که زمینه کاملا مناسب برای گذار به سندیکا بود به شرایط خاص اسپانیا بنام کمیسیون کارگری فعالیتش را ادامه داد و توانست همین کمیسیون در سال ۱۸۵۵ بزرگترین اعتصاب عمومی را به راه اندازد و خواهان تجمع آزاد کارگران شود. انقلاب سرمایه‌داری سال ۱۸۶۸ باعث گسترش مبارزات وسیع کارگران گشته و منجربه تصویب این قانون گشت" حق تجمع برای کارگران". این اولین دستاورد بزرگ طبقه کارگر اسپانیا بود.

کارگران اسپانیا توانستند در سال ۱۸۷۲ اولین کنگره خود را برگزار کرده و همان سال نیز به بین‌الملل اول بپیوندند. تشکلهای کارگری از همان اول تحت نفوذ باکونین در بین‌الملل اول قرار گرفت و این نفوذ سالها طول کشید. در همان سالهای ۱۸۸۶ اتحادیه عمومی کارگران اعلام موجودیت کرد این اتحادیه در کنار کنفدراسیون ملی کار که از خود کارگران تشکیل یافته بود، بزرگترین تشکلهای کارگری بودند که در دولت جمهوری شرکت داشتند. در کنار این تشکلها کلیسا نیز تلاشش را برای ایجاد سندیکاهای کارگری کاتولیکی آغاز کرد. تبلیغات انها " همکاری طبقات" "احترام به مالکیت خصوصی" و ۱۹۱۹" کنفدراسیون ملی سندیکاهای کارگری کاتولیک" را بنیان گذارد. شکست دولت اسپانیا. درسال ۱۹۳۹ چنان استبداد سیاه و خفقانی را در کشور حاکم کرد که کارگران نه تنها دستاوردهای دوران جمهوری را از دست دادند بلکه دولت فاشیستی فرانکو دستاوردهای چندین ساله کارگران را که به بهای خون چندین هزار کارگر بدست آورده بود، از آنها پس گرفت.

دولت فرانکو تمام تشکلهای کارگری را منحل کرد، دهها هزار نفر از جمهوری خواهان را به جوخه های اعدام سپرد و بخش وسیعی از رهبران کارگران را قتل‌عام نمود. ادامه دارد.

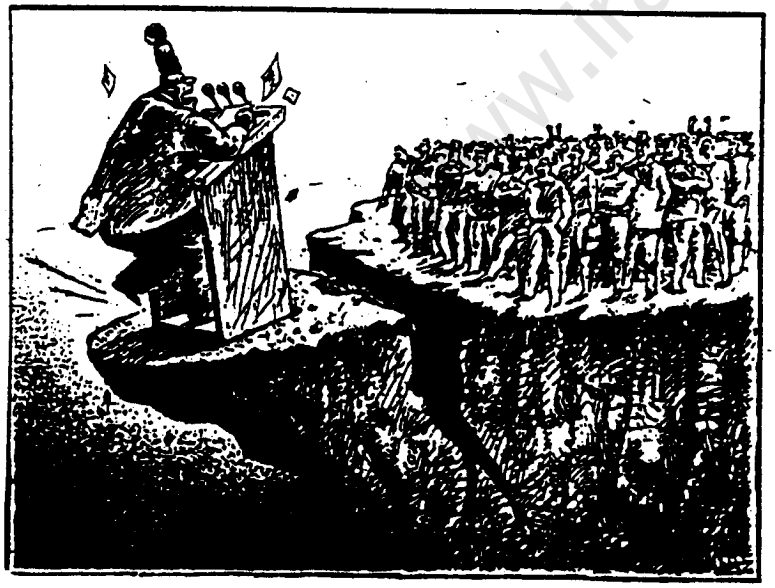

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران سراسر جهان

اخبار و گزارش از ایران

گزیده‌هائی از خبرهای کارگری نشریات نیروهای اپوزیسیون

■ کارخانه پارس الکتریک: کارگران این کارخانه پس از دریافت دستمزد ماهیانه خودمتوجه شدندکه به میزان دو ساعت ازحقوقشان کسرگردیده! پس از پیگیری وتحقیق معلوم شدکه این مبلغ بدستور مدیریت وبه ازاء ۱۰ـ۷ دقیقه ایکه کارگران هرروزبه نشانه اعتراض به کسر مزایا وبن خواروبار، زودتر از وقت مقرر کار را ترک کرده اند، از حقوقشان کسرشده است.

کارگران در ادامه اعتراضات پراکنده خودتصمیم گرفتندکه به شورای اسلامی نیز مراجعه نمایند. اما سرپرستان مانع از خروج آنان از قسمت شدند. بهرحال تعدادی از کارگران خودرا به دفتر "شورا" رسانده وآنانرا موردبازخواست قرار میدهند.

کارگران علاوه براین نسبت به ۱۵۰ ریالی که بابت حق عضویت از آنها گرفته میشود نیز اعتراض میکنند. با رسیدن سایر کارگران، طرح طبقه‌بندی مشاغل وعلت تاخیردراجرای آن، کم‌بودن پول نهار و بالاخره خواست دریافت تلویزیون هم‌میان کشیده میشودوشورا موردبازخواست بیشتر قرارمیگیرد. کارگران "شورا" رابخاطر اینکه دریکسال گذشته هیچ‌کاری برایشان نکرده محکوم میکنند واظهارمیدارند که "این شورای مدیریت است نه شورای کارگران". آنان همچنین درپاسخ به فراخوان یکی ازنمایندگان این "شورا" مبنی برشرکت درمجمع عمومی هفته بعد، برای انتخاب دوردوم "شورای اسلامی" صریحا اعلام میکنندکه: "ماشورای اسلامی نمیخواهیم".

عملاهم بسیاری ازکارگران درانتخاباتی که روز ۱۵ تیرماه درحضورنماینده وزارت کار صورت گرفت شرکت نکرده وآنرا تحریم کردند، با اینحال چندروزبعداسامی چندتن بعنوان نمایندگان کارگران اعلام گردید!

■ خبردیگری حاکی است که مزدوران رژیم دراین کارخانه پس ازختم جنگ نیز به‌بهانه کمک به‌جبهه‌ها چندین بار درصدد باجگیری ازکارگران برآمده‌اند. اما کارگران با تکیه براین که جنگ دیگرتمام شده‌است شدیدا به مزدوران اعتراض کرده‌اند.

اعتراضات وهوکردن علنی

کارگران کارخانه پویا (استاندارد) از روزسه‌شنبه ۲۲شهریور ۶۷، برای اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، دست به اعتراض زدند. آنها با هوکردن، سوت زدنهای ممتدوقاشق زدن برروی میزوپارچ آب، قصدزیرفشارقراردادن مدیریت را داشتند.

این اعتراض که بدنبال اعتصاب قهرمانانه کارگران چرم آذرصورت گرفته، جلوه‌ای ازهمبستگی کارگران این دوکارخانه بحساب میآید. کارگران پویا علاوه براجرای طرح، خواهان پرداخت حق افزایش تولید درسال ۶۷نیز میباشند.

مدیریت شرکت که ازادامه اعتراضات بهراس افتاده بودبه میان کارگران بخش خباطی آمده وبا آنها به‌صحبت میپردازد. کارگران نیزدوروی حلقه‌زده وخواسته‌هایشان را طلب میکنند. اما مدیرعامل ازکارگران میخواهدکه هونکشندوسوت نزنند، زیرا با هوکشیدن کاری صورت نمیگیرد. کارگران نیزکه ازصحبت با مدیرعامل نتیجه‌ای عایدشان نمیشد، به هو کشیدن وسوت زدن ادامه میدهند، تا جائیکه بصورت علنی ودرمقابل سرپرستها اینکار را انجام میدهندوتهدیدسرپرستها نیزهیچگونه تاثیری برروی کارگران نمیگذارد، حتی کارگران ازسرپرستها میخواهندکه آنان نیز دراعتراضاتشان شرکت کنندزیرا اگرحق تولید رابدهندبه آنان نیزچندبرابرتعلق میگیرد.

بدین ترتیب کارگران پویا تصمیم گرفتند تا رسیدن به‌نتیجه قطعی روی اعتراضاتشان پای فشارندوتا روزیکشنبه ۶۷/۶/۲۷ این اعتراضات همچنان ادامه‌دارد. لازم به‌ذکراست که ازتاریخ ۶۷/۶/۲۶ نماینده‌های کمیته طرح دراین شرکت شروع به‌کارنموده ودرحال بررسی شغلهای کارگران هستند.

■ کارخانه فیلیپس: روز ۲۰شهریور دراین کارخانه اعلام‌شدکه کارگران باید برای تجدیدانتخابات شورای اسلامی در سالن کارخانه اجتماع‌کنند. کارگران با بی‌اعتنائی به‌این فراخوان و راجع به عملکردهای ضدکارگری شورای اسلامی به گفتگوپرداختند تا اینکه مدیریت مزدوران خوددرانجمن اسلامی وکارگزینی را بسیج کردکه کارگران را به‌سالن‌بکشانند. نماینده‌وزارت کارهم‌برای برگزاری این انتخابات فرمایشی به‌کارخانه آمده بود. وی میکوشیدکه درصحبتهایش با توجه به اینکه کارگران دردوره قبل انتخابات را تحریم‌کرده بودند، دل کارگران را بدست آورد وبه‌شورا مقبولیت ببخشد. اما کارگران وبویژه کارگران زن‌بی‌محابا دوزوکلکهای یکسال گذشته‌شورای اسلامی را بزبان آورده وعوامفریبیهای نماینده‌وزارت کار را بی‌اثرمیکردند. بالاخره هنگامیکه نوبت به معرفی کاندیداها رسیدکارگران با شنیدن نام‌دبیرانجمن اسلامی بعنوان کاندید شورا یکپارچه به‌هوکردن وی پرداختند، بطوریکه نماینده‌وزارت کار و دیگر کارگزاران سرمایه بکلی کنترل جلسه را از دست دادند. اعتراض کارگران به‌حدی بود که عملا ادامه‌جلسه ممکن نبود. ازهمین رو عمال سرمایه ناچارشدند کارگران را به قسمتهایشان بفرستند تا بطورمجزا و در دسته‌های کوچکتر ازآنان رای‌گیری کنند. جالب توجه است که با اینکه کارگران با صراحت تمام این مراسم فرمایشی را به تمسخرگرفته ودرواقع آنرا تحریم‌کرده بودند با اینحال دو روز بعداسامی "انتخاب شدگان" اعلام‌شد. جالب اینکه کلیه اعضای پیشین شورا ویکی از اعضاء انجمن اسلامی کماکان جزو "انتخاب شدگان" بودند!!

یکی از کارگران کارخانه پارس متال که درقسمت مواد مذاب کار می‌کرده در اوائل سال (اردیبهشت‌ماه) دچار سانحه شد. پس‌از انتقال وی به بیمارستان، پزشکان سوختگی وی را شدید تشخیص داده و اعلام کردند که بعلت فقدان امکانات لازم، قادر به معالجه وی نیستند.

با پیگیری همکاران وی، مدیریت کارخانه موافقت کرد که کارگر سانحه دیده به خارج از کشور اعزام شود. ولی مدیریت به تعهد خود عمل نکرد و سرانجام کارگر سانحه دیده در بیمارستان درگذشت.

برای حمایت از مبارزات کارگران ایران متحد شویم!

تظاهرات با شکوه و ۶ روزه کارگران چرم آذر

کارخانه چرم آذر یکی از کارخانه‌های گروه صنعتی ملی میباشد که حدود ۲۷۰ کارگر دارد و بدلیل آنکه بخشی از تولیدات چرم کارخانه‌های گروه صنعتی ملی را بعهده دارد از اهمیت خاصی برخوردار است. شرایط کار در کارخانه چرم آذر بدلیل دباغی شدن پوست و وجود گرد و غبار و بوی فراوان چرم و مواد شیمیایی بسیار دشوار میباشد. کارگران از یکطرف، از نظر بهداشتی در وضعیت بدی بسر میبرند و از طرف دیگر بدلیل کم شدن تولید چرم، ماههاست که روزانه کمتر از سه ساعت کار میکنند و باقی ساعات کار را بیکار میباشند و مدیرعامل به همین علت از دادن حق تولید و دیگر مزایا به کارگران خودداری میکند.

کارگران کارخانه چرم آذر که بعلت پائین بودن دستمزدهایشان شدیداً زیر فشار مالی قرار دارند، همچون سایر کارخانه‌های گروه صنعتی ملی، مانند چکمه ملی، کفش پویا، آزاده و غیره، دیگر تحمل نکرده و شروع به اعتراض برای اجرای طرح طبقه‌بندی نمودند. با اینکه قبلاً بارها از مدیرعامل خواسته بودند تا به قسمت آمده و جوابگوی آنان باشد، اما مدیرعامل نپذیرفته بود. بار دیگر کارگران روز شنبه ۶۷/۶/۱۹، مدیرعامل را زیر فشار قرار دادند تا سخنرانی کند و علت عدم اجرای طرح را توضیح دهد. اینبار نیز مدیرعامل از پاسخگوئی طفره رفت. این مسئله باعث خشم کارگران گردید و برای اینکه بتوانند صدای حق طلبانه‌شان را به گوش دیگر همکارانشان برسانند شروع به شعار دادن علیه مدیرعامل کردند: "ما مدیرعامل دزد نمی‌خواهیم، مرگ بر این مدیرعامل"! "طرح طبقه‌بندی را اجرا کنید".

سپس کارگران به حیاط کارخانه آمده و مدتها با صدای بلند همین شعارها را تکرار کردند بطوریکه کارگران کلیه کارخانه‌های اطراف، توانستند شعارها را بشنوند.

پس از آن کارگران دوباره به سالن برگشته و دور همدیگر جمع شده و در مورد چگونگی پیشبرد اعتراضشان به صحبت پرداختند و سرانجام تصمیم گرفتند تا زمانیکه از طرف هیئت مدیره جواب قانع کننده‌ای به آنها داده نشود، دست از شعار دادن و تظاهرات در حیاط کارخانه برندارند.

از طرف دیگر مزدوران انجمن اسلامی و شورا بیکار ننشستند و شروع به توطئه‌چینی نمودند. کارگران که ماهیت این مزدوران را در جریان تظاهرات خرداد ۶۶ شناخته بودند، خیلی زود توانستند آنها را از صفوفشان بیرون کنند، بدین گونه که هر زمان انجمنی‌ها و شورائی‌ها شروع به سخنرانی میکردند، کارگران آنان را هو میکردند و در نتیجه مزدوران انجمن و شورا تا پایان روزهای اعتراض بخود اجازه نمیدادند در جمع کارگران حضور یابند. در این میان مدیرعامل نیز که از تصمیم جدی کارگران برای ادامه مبارزه به هراس افتاده بود، چندین بار وارد سالن شد و میخواست سخنرانی کند، اما کارگران دیگر او را نپذیرفته و مطرح کردند، حالا دیگر حاضر نیستیم به صحبتهای شما گوش کنیم و باید هیئت مدیره بیاید و صحبت کند و با هو کردن و سوت کشیدن، هر بار او را مجبور به ترک سالن میکردند و مدیرعامل نیز پس از چند بار اخراج از سالن، دیگر جرئت ورود به سالن را پیدا نکرد.

بدین ترتیب کارگران ۵ روز پی‌درپی و در هر روز چند بار، به شعار دادن در داخل سالن و تظاهرات در حیاط کارخانه میپرداختند. مسئولین گروه که از سرایت این اعتراض به سایر کارخانه‌های گروه ترسیده بودند، مجبور به مذاکره با کارگران گشتند. و روز چهارشنبه ۶۷/۶/۲۳ مدیرعامل گروه بنام نیکنام به کارخانه آمده و برای کارگران سخنرانی نمود. وی ابتدا کارگران را به صبر و حوصله دعوت نمود و مطرح کرد که ما بدلیل وضعیت جنگی نتوانستیم طرح را زودتر به اجرا درآوریم، اما قول میدهیم که بزودی آنرا اجرا کنیم و هم اینک نیز در جریان اجرای آن هستیم.

کارگران بعد از سخنرانی نیکنام، مطرح کردند که تاکنون از این حرفها زیاد زده‌اند و نباید گولشان را بخوریم و به همین دلیل فردای آن روز نیز به اعتراضاتشان ادامه دادند ولیکن تصمیم گرفتند که از روز شنبه ۶۷/۶/۲۶ دست از اعتراض برداشته و برای مدتی دیگر صبر کنند تا نتیجه حرفهای نیکنام روشن گردد. و چنانچه کاری صورت ندادند، مجدداً به مبارزه‌مان ادامه خواهیم داد.

بدین ترتیب کارگران چرم آذر به مدت ۶ روز متوالی جهت اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل دست به اعتراض و تظاهرات در داخل حیاط کارخانه زدند و این در حالی بود که کارخانه‌های دیگری همچون کفش پویا، فارس و آزاده نیز در داخل کارخانه‌هایشان با هو کشیدن و سوت زدن، به مبارزه‌شان ادامه میدهند و امیدوارند که بتوانند با مبارزات پیگیر و یکپارچه‌شان در سطح گروه هرچه زودتر اجرای طرح را به هیئت مدیره تحمیل کنند.

اولین ضربه کارگران

پس از پذیرش آتش بس

شرکت دخانیات در تهران و حومه چندین کارخانه دارد، ولی کارخانه مرکزی آن در جنوب تهران واقع شده و بیش از ۵ هزار نفر کارگر دارد. این کارخانه سیگارهای داخلی از جمله سیگار شیراز ـ زر ـ هما ـ اشنو را تولید میکند. کارگران در دو شیفت کار میکنند و تولید کارخانه در مجموع قابل توجه است. وضع حقوقی کارگران همچون سایر کارگران کشور بسیار پائین است و شرایط بهداشتی کارخانه از نظر گرد و خاک و بو بسیار نامناسب است. کارگران در گذشته و قبل از سال ۶۶ ماهیانه ۳۰ بسته سیگار بعنوان سهمیه دریافت میداشتند که این سهمیه توسط مدیر حزب اللهی کارخانه در سال ۶۶ قطع میشود. وی در رابطه با علت قطع سهمیه میگوید که بدلیل شرایط جنگی قادر به پرداخت سهمیه کارگران نیستیم و هر زمان که جنگ به اتمام برسد دوباره سهمیه‌ها را پرداخت میکنیم. در آن زمان اگرچه کارگران اعتراضاتی را صورت دادند، اما در مجموع مدیریت توانست سهمیه کارگران را قطع نماید. لیکن کارگران پس از این مسئله توانستند قانون دیگری را به مدیریت تحمیل نمایند! از جمله اینکه هر کارگری میتوانست هفته‌ای سه بار از تعاونی کارخانه سیگار بخرد، که در هفته حدود ۱۰ بسته سیگار تیر و ۵۰ بسته سیگار زر و شیراز سهمیه خرید کارگران بود و قیمت آن نیز به نرخ دولتی پرداخت میشد. بدین ترتیب اکثر کارگران با فروش این سیگارها میتوانستند حدود ۳۰۰ تومان بدست بیاورند.

اگرچه کارگران هفته‌ای سه بار از تعاونی کارخانه سیگار میخریدند، اما همچنان خواهان برقرار شدن مجدد سهمیه‌بندی ماهانه‌شان بودند. بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از جانب رژیم اسلامی و با اصطلاح پایان جنگ، کارگران فرصت را مغتنم شمرده و در آخرین هفته تیرماه ۶۷ دست به اعتراض گسترده‌ای زدند. آنها طوماری از پارچه سفید تهیه کرده و روی آن خواست پرداخت سهمیه سیگار را نوشته و از کارگران خواستند تا طومار را امضاء کنند. از آنجا که خواسته فوق مورد توجه همه کارگران بود، اکثریت کارگران آنرا امضاء کرده و به شورای اسلامی کارخانه دادند. شورای اسلامی هم که در مقابل خواسته بحق کارگران قرار گرفته بود، زیر فشار مجبور شد تا مسئله طومار را برای مدیریت مطرح سازد. مدیریت کارخانه نیز که هیچ راهی جهت طفره رفتن از خواست کارگران نداشت و خود نیز هنگام قطع سهمیه گفته بود که بعد از پایان جنگ سهمیه پرداخت خواهد شد، ناگزیر به موافقت با پرداخت سهمیه کارگران گردید. بدین ترتیب کارگران توانستند اولین ضربه را پس از پذیرش آتش بس به مزدوران رژیم در کارخانه وارد بیاورند.

پس از موافقت مدیریت، کارگران توانستند پس از یکسال و نیم از قطع سهمیه، سهمیه مرداد ماه ۶۷ را بصورت نقدی و به مبلغ ۲۵۰ تومان دریافت دارند. ولی در شهریور ماه از مقدار سیگارهائی که کارگران بصورت سه بار در هفته خرید مینمودند، بمیزان $\frac{1}{3}$ کاهش داده شد. در مقابل کارگران مطرح میسازند که ممکن است مدیریت تصمیم بگیرد که فروش سیگار به کارگران را در کارخانه بتدریج قطع کند. بنابراین نباید اجازه دهیم که با پرداخت سهمیه ماهانه، سهمیه هفته‌ای خرید سیگار قطع شود.

کمبود مواد

در کارخانه پشم بافی شرق

این کارخانه تولیدکننده پتو میباشد که در جاده مخصوص کرج واقع است و تعداد بیش از ۱۰۰ کارگر دارد. صاحب این کارخانه شخصی بنام حاجی سیاهپوش میباشد و اداره آن توسط خودش و سه فرزندش صورت میگیرد. مواد کارخانه تا دو سال پیش از خارج وارد میشد، ولی در حال حاضر از اصفهان میآورند. از ۱۵ شهریور تاکنون این کارخانه مواد ندارد و کارگران بیکار آن در محوطه به سازی مشغولند.

نامه‌های رسیده

۱ـ دوست عزیز الف، از هلند. ضمن سپاسگزاری از ابراز محبتتان، موارد برشمرده از سوی شما را مورد توجه قرار خواهیم داد. ما منتظر نامه‌ها و برخوردهای مفید دیگرتان هستیم.

۲ـ دوست عزیز ج، کارگر اخراجی چوکا، از اتریش. خاطرات شما از این کارخانه و نیز "نامه‌ای از ایران" را دریافت کردیم. خاطرات شما در شماره های آینده "کارگر تبعیدی" چاپ خواهد شد، اما متأسفانه "نامه ایران" شما را نتوانستیم چاپ کنیم.

۳ـ دوست عزیز محمود گ، از آلمان. از اینکه بخشی از فعالیتهای کارگری خود را برایمان نوشته‌اید متشکریم و خوشوقتیم که میتوانیم با کارگران رزمنده‌ای چون شما همکاری داشته باشیم. اما اینکه نوشته‌اید "دادستان بهتر بود دست مرا قطع میکرد تا اینکه صلاحیت کار را از من سلب میکرد" با شما هم عقیده نیستیم، چرا که معتقدیم کسانی مانند دادستان رژیم خود صلاحیت آنرا را ندارند که از کارگری سلب کار کنند. دوست عزیز؛ ما هم مثل شما "نامان با کارگر تبعیدی گره خورده" و مانند شما "آرزو میکنیم که بتوانیم در آینده نه چندان دور برای کارگران ایران چنین نشریاتی را چاپ کنیم." منتظر نامه‌های دیگرتان هستیم.

۴ـ دوستان عزیز شهرام و آزیتا. از استرالیا نامه‌های شما رسید. از اینکه مطالب نشریه کارگر تبعیدی را در دست ترجمه دارید تا در بین اتحادیه های کارگری استرالیا پخش کنید باعث سپاسگزاری است. شرایط عضویت فعلا همان است که منتشر شده، اما هنوز به تصویب نرسیده است. شما میتوانید در این مورد نظرتان را برایمان بنویسید و انتظار ما اینست که مانند سابق همکاری خود را با ما ادامه دهید.

۵ـ دوست عزیز م. از آلمان، نقد شما از طرح پیشنهادی اساسنامه جنبش مندرج در شماره ۲ کارگر تبعیدی حاوی نکات جالب و مهمی بود، که در تصویب اساسنامه مورد توجه قرار خواهد گرفت.

۶ـ دوست عزیز س. از آلمان، نامه‌های شما دارای مطالب مفید و قابل استفاده‌ای هستند. خواهشمندیم مطالب بعدی خود را برایمان بفرستید.

جای نمایندگان واقعی کارگران ایران

دنباله از صفحه ۳

معمول و موجود بین‌المللی ارائه داده و یا آن را محکوم نمایند. از جمله، سطح دستمزدها، قانون کار ضد کارگری، وضعیت ایمنی کار و بهداشت محیط کار، امکانات رفاهی بسیار محدود، عدم برخورداری از حق تشکل، اعتصاب و اعتراض، حضور دائمی عوامل انجمنی و مدیریت بر سر کارگران، عدم برخورداری از حق بازنشستگی و بیمه واقعی و دهها موارد دیگر.

دشواریهای حاکم بر کارگران ایران دهها و صدها نیست، یکی از مهمترین ضعف کارگران ایران عدم برخورداری از داشتن حق تشکل است، برخورداری از تشکل نه تنها قدرت کارگران را در مبارزات روزمره با دولت و کارفرمایان بالا میبرد، نه تنها در چگونگی تدوین و اجرای قوانین کارگری مؤثر میافتد، بلکه کارگران را از نمایندگان واقعی برخوردار میگرداند که در برخورد با دولت و کارفرمایان، سخنگو و حافظ منافع آنان باشند. طبیعتاً چنین نمایندگانی خواهند توانست از حقوق کارگران در مجامع بین‌المللی نیز حفظ و حراست کنند و به جلب حمایت آنان برای مقابله با بی حقوقی حاکم بر کارگران ایران موفق گردند.

در شرایطی که کارگران ایرانی از چنین امکاناتی برای اعزام نماینده به اتحادیه‌ها و مجامع بین‌المللی محرومند ما کارگران تبعیدی، بعنوان جزئی از کارگران ایران میبایست در تلاش برای راهیابی به اینگونه مجامع باشیم، ما منافع، حقوق و سرنوشتی جدا از کارگران ایران نداریم و خاصر همین خواستها و مبارزات مشترک بوده که اکنون در خارج از ایران هستیم، از این رو میبایست هر چه بیشتر برای انجام رسالتمان متشکل گردیده و بر مشکلات راهیابی به چنین مجامعی فائق آئیم.

تلاش ما نه تنها میبایست راهیابی به اینگونه مجامع باشد، بلکه میبایست مانع از حضور هیئتهای ضد کارگری در اینگونه مجامع گردیم، اگر یکی از وظایف مهم ما راهیابی به اتحادیه‌های بین‌المللی است اما نباید از اهمیت مجامعی همچون "کنفرانس بین‌المللی کار" بعنوان محلی برای افشاگری و اعمال فشار بر جمهوری اسلامی غافل بمانیم.

کارگران تبعیدی! برای انجام رسالت انقلابی خود، و برای پاسخ گویی به وظایفی که در قبال کارگران ایران داریم، دست به دست یکدیگر داده و متحد شویم.

www.iran-archive.com

اخبار خارجی

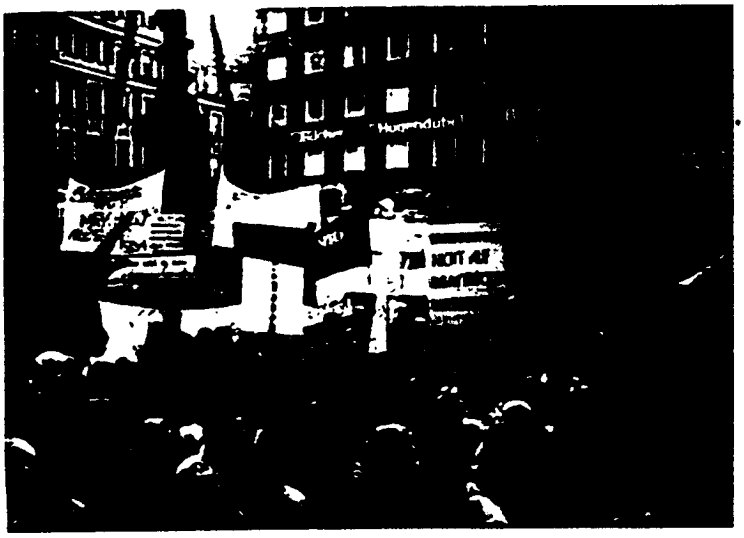

بحران در کشورهای پیشرفته سرمایه داری هرروز ابعاد گسترده‌تری بخود می‌گیرد و دولتهای حاکم بر این کشورها برای برون رفت از این بحران فشارهای زیادی به حقوق کارگران این کشورها وارد می‌آورند.

دراین چند ماه گذشته شاهد تظاهرات و اعتصابات گسترده‌ای ازطرف اتحادیه‌های کارگری کشورهای اروپائی بودیم، ازجمله: اعتصاب کارگران خدمات پست درانگلستان، اعتصاب اتحادیه کارگران حمل ونقل در اسپانیا، اعتراضات گسترده کارگران و دیگر اقشار زحمتکش و همچنین دانشجویان درکشور آلمان علیه رفرم خدمات بهداشتی دراین کشور، که ازاعتصاب مجتمع ۶ هزار نفری در فرانکفورت، آکسیونهای مختلف اتحادیه کارگری آلمان ــ د.گ.ب ــ (مانند هفته آکسیون کارگران دراین کشور، که حرکتهای مختلفی درآن صورت گرفت) و همچنین تظاهرات بزرگ ۱۰ هزارنفری کارکنان بخش خدمات بهداشتی درتاریخ ۵ نوامبر علیه کمبود حقوق درشهر مونیخ آلمان بود، که در عکس مشاهده میکنید.

نظر ما در مورد 'فعالین کارگری' و همکاری روشنفکران

دنباله از صفحه ۲

کارفرما ورژیم پیدا نمی‌شود؟ آیا باید بخاطر آنان همهٔ کارگران را با یک چوب برانیم؟ "خارجه نشین" را هم اگر بطور کلی وبدون جدا کردن حساب آنهائی که اتفاقاً بخاطر مبارزه وآرمانشان مجبور به ترک دیار شده ــ اند وآنان که در خارج کنج عافیت گزیده‌اند، در نظر نگیریم، درآنصورت باید گفت که ما کارگران تبعیدی هم کارگران خارجه نشین هستیم.

ما در اساسنامه پیشنهادی، از رفقا استفاده میکنیم.

شرایطی را برای عضویت کارگران مطرح نموده‌ایم وحتی هر کارگری نمی‌تواند نیز عضو این تشکل بشود. بنابراین مسئله برسر ذات وسرشت کارگر در مبارز بودن یا نبودن نیست، اگر ما اعتقاد داریم که روشنفکران نمی‌توانند عضو این تشکل بشوند، نه بخاطر آنست که آنان "در بزنگاه حساب میکنند" بلکه علت آنست که معیار عضویت را بعلت تشکل کارگری، مشابه اتحادیه وسندیکا وشوراها، در نظر گرفته‌ایم، اما به علت اهمیتی که برای مبارزات و تجارب روشنفکران متمایل و متعلق به جنبش کارگری قائلیم، عنوان نمودیم که روشنفکران، وآنانی که منافعی جز منافع کارگران ندارند میتوانند به انواع واقسام اشکال به این تشکل یاری رسانده وبا آن هم کاری نمایند. ما از چنین همکاریهائی استقبال نموده واز تجارب ایندسته

با
کارگر تبعیدی
مکاتبه کنید!

تذکر!

دوستان عزیز!

۱ــ نیاز به توضیح ندارد که امکانات ما برای تداوم وپیشبرد فعالیت مان بسیار محدود و داست وبدون کمک مالی شما ادامه کار برایمان دشوار خواهد بود. بهمین دلیل از شما انتظار داریم دراین راستا ما را یاری کنید.

۲ــ دوستان زیادی مطالب خود را، که حاوی خاطرات دوران کارگری شان است، برایمان فرستاده اند، که ضمن تشکر از آنان لازم به یادآوری است که صفحات نشریه ما محدود و داست و متأسفانه جز رعایت نوبت ویا اولویت مطلب همه آنها را نمی توان درنشریه درج نمود. نشریه ما علاوه برخاطره، به مطالب مربوط به مسائل کارگری، بیشتر نیازمند است و از شما تقاضا داریم دراین زمینه نیز با ما همکاری کنید.

www.iranarchive.com

مروری برمبارزات کارگران در سال ۵۷

آبان ۱۳۵۷

ـ دراین ماه ساواک ونظامیان شبانه به خانه های کارگران اعتصابی نفت وگاز ریخته وآنهارابه باد کتک گرفتند ۰اثاث بسیاری ازکارگران رادورریخته وتعدادزیادی رادستگیر کردند.رژیم از رادیو تلویزیون اعلام کردکه اعتصاب پایان گرفته واین درحالی است که کارگران زیرفشار وحملات نظامیان به اعتصاب خود ادامه می دهند ۰خواست آنها عبارتنداز لغوحکومت نظامی ، آزادی زندانیان سیاسی ،بازگشت تبعیدشدگان واخراج کارشناسان خارجی کمپانیهای نفتی وایرانی کردن صنایع نفت می باشند ۰

آذر ۱۳۵۷

ـ فدراسیون سندیکائی جهان طی اعلامیه‌ای کشتارکارگران اعتصابی نفت رامحکوم کرده واز تمام زحمتکشان دنیا وسازمانهای سندیکائی دعوت کرد تاازاعتصابیون ایران حمایت کنند (اعلامیه در ۱۲ مهر ۵۰ نوشته شده است).

ـ اعتصاب کارگران صنایع نفت دراهواز ،آغاجاری ،تهران ، آبادان ،تبریز ،شیراز، کرمانشاه همچنان ادامه دارد ۰

ـ روز ٤آذرماه کارگران پالایشگاه تهران درساختمان مرکزی شرکت نفت واقع درخیابان تخت جمشید اجتماع کردند وضمن تحصن چندساعته خواستهای خودرابرای کارمندان توضیح دادند ۰نظامیان به ساختمان حمله کرده و ۲نفربا سرنیزه مجروح شدند ۰کارمندان برای اعتراض به‌تیراندازی درمحوطه ساختمان مرکزی اجتماع کردندو خواستارآزادی چند کارگراعتصابی که موقع ورود به ساختمان دستگیر شده بودند ودرضمن از اعتصاب کارگران حمایت کردند ۰

ـ روز۵آذر باردیگرکارگران پالایشگاه درمقابل ساختمان مرکزی اجتماع کردند وکارمندان نفتی دست از کارکشیده به اعتصابیون پیوستند ۰نظامیان برای جلوگیری از پیوستن کارمندان به اعتصاب به آنهاحمله کرده چندین نفرراباتوم زخمی کردند ۰

ـ درحالیکه هزاران نفر از کارگران صنایع نفت دراعتصاب بسرمی برند وتولیدات نفت به صفر می رسد کارگران وکارمندان شرکت های نفتی پان آمریکن ،لاپکو ، امریکو به صفوف اعتصابیون پیوستند۰

ـ دستگیری کارگران اعتصابی نفت همچنان ادامه دارد ۰سندیکای مشترک کارکنان صنعت نفت درتاریخ ۲٤آذر طی اعلامیه‌ای پس از اشاره اهمیت نفت دریکاراندا ختن چرخ های اقتصادی کشورهای غارتگرامپریالیستی وشرایط دشوارزندگی وتارکارگران نفتگر ومبارزات قهرمانانه آنان درراه ملی کردن صنایع نفت اعلام کرده‌است "ماکارگران صنعت نفت به لحاظ اینکه ناظروشاهدعینی تاراج و یغمای بیدادگرانه امپریالیسم نسبت به ثروت های ملی خودهستیم مصممانه وباقاطعیت برآنیم که با خودداری وممانعت از انجام کاربه جریان تولید وصدورنفت خاتمه داده ودیگراجازه ندهیم که ستون پنجم دشمن بدون درنظرگرفتن خشم ملت ایران بیش‌از این هستی مارابه تاراج برد."

دراین اعلامیه به دولت افزهاری اشاره شده وکارگران یادآورشده اند تاحصول پیروزی کامل به اعتصاب یکپارچه خودادامه خواهندداد ۰

دعوت از طراحان

جنبش دفاع ازحقوق سندیکائی کارگران ایران به یک آرم مناسب برای خودنیازدارد ۰ طبیعی است که آرم موردنظر میبایستی بازگوکننده مسائل کارگری باشد ۰

ازدوستان ورفقاتقاضاداریم طرح یاایده خودرادراین زمینه برای ماارسال دارند ۰

باتشکرقبلی

بانشانی‌های زیر باما مکاتبه کنید :

دفترمرکزی:آلمان فدرال
Postlagerkarte
Nr. 123903 C
53 Bonn 1
W. Germany

اتریش:
Schulgasse
Postfach 505
Wien 1181
Österreich

دانمارک :
Khosravi
Posterestante K 21
The main station
1570 K.b.h
Danmark

www.iranarchive.com